

## دکل حفاری، هیولای زیرآب

یکی از مهم‌ترین و پرطرفدارترین ژانرهای سینما گونه علمی تخیلی و تریلرهای اکشن و فانتزی است .



از شبکه تهران ببینید  
دکل حفاری، هیولای زیرآب

یکی از مهم‌ترین و پرطرفدارترین ژانرهای سینما گونه علمی تخیلی و تریلرهای اکشن و فانتزی است .

جوانان در همه جای دنیا عاشق این فیلم‌ها هستند و ساخته‌های این گونه به مدد استفاده از تکنولوژی پیشرفته و استودیوهای دیجیتال می‌توانند مخاطبان فراوان داشته باشند.

یک دکل حفاری نفتی ایزوله شده در وسط اقیانوس، در یک طوفان شدید آسیب می‌بیند و گروه نجات ماموریت دارد که خسارت را برآورد کرده و دکل را سرپا نگه دارد.

اگرچه همه چیز تحت تاثیر طوفان دریایی دچار خسارت و آسیب فراوان شده اما این همه مشکل گروه نجات نیست. 24 ساعت پس از آغاز عملیات، وجود شی جاندار در رادار نمایان می‌شود اما بدبختی این جااست که به هیچ طریقی نمی‌توان این شی یا موجود را شناسایی کرد. وقتی یکی از افراد گروه کشته می‌شود و دوربین‌های مانیتورینگ دکل حفاری یک هیولا را نشان می‌دهند، معلوم می‌شود که اعضای گروه ساعات پرچالشی را پیش رو خواهند داشت...

یکی از مهم‌ترین و پرطرفدارترین ژانرهای سینما گونه علمی تخیلی و تریلرهای اکشن و فانتزی است. جوانان در همه جای دنیا عاشق این فیلم‌ها هستند و ساخته‌های این گونه به مدد استفاده از تکنولوژی پیشرفته و استودیوهای دیجیتال می‌توانند مخاطبان فراوان داشته باشند. تلفیق این ژانر با دیگر گونه پرطرفدار یعنی سینمای دلهره نیز می‌تواند این مخاطبان را بیش از پیش به سینما بکشاند. داستان دکل حفاری قصد دارد چیزی باشد در همین بین باشد.

تریلر داستانی و تخیلی دکل حفاری داستانی بسیار خاص دارد. یک عده متخصص در اومور اکتشاف نفت حالا قرار است به کاری دست بزنند که پیش از این هرگز تجربه نکرده بودند. کشتن یک هیولای دریایی که گویی از ناکجاآبادی از زیر اقیانوس سردآورده است. وجود هیولا یا یک موجود ناشناخته برگ برنده اصلی در فیلم‌های اینچنین است. در دکل حفاری مخاطب از اول می‌داند که قرار نیست که عملیات نجات را شاهد باشد. یک دکل عظیم نفتی که از طوفان‌های دریایی جان سالم بدر برده باید توسط عنصر دیگری تهدید شود تا جذابیت بصری به همراه داشته باشد. دکل حفاری این عنصر را دارد. یک موجود ناشناخته که گروه اگرچه حضورش را تشخیص داده اما اصلا معلوم نیست با یک حیوان دریایی مثل وال طرف است یا یک مثلا زیردریایی سرگردان و غرق شده.

تعلیق در داستان‌های تخیلی فاکتور اساسی و پیش برنده ای است. تماشاگر در فضای تعلیق نسبت به ماجرا و داستانک‌ها واکنش نشان می‌دهد و مصمم می‌شود کاراکترها را بیشتر بشناسد و با آنها تا آخر ماجرا همگام شود. در دکل حفاری به سبب ماجرای خاصی که می‌تواند داشته باشد تعلیق سرنوشت ساز بوده که البته اصلا از این حربه سینمایی و روایی استفاده نشده است. ماندن روی یک دکل حفاری در ناکجاآباد در حالیکه ایزوله شده و با هیچ چیزی نمی‌تواند ارتباط برقرار کند و افراد مستقر بر عرشه دکل شدیداً در نگرانی و ترس به سر می‌برند به خودی خود تعلیق برانگیز است حالا اگر یک هیولا نیز به این دکل بی‌صاحب اضافه کنید قطعاً می‌توان گفت تمام فاکتورها را برای بیان داستانتان دارید به شرطی که قیافه هیولای شما مسخره نباشد و قهرمانان فیلم تان نیز فقط در تئاترهای مدرسه بازی نکرده باشند. هیولای دکل حفاری و بازی افتتاح‌حند. با این همه بازهم به سبب ذات ژانر تخیلی دکل حفاری می‌توانست با دیالوگ‌های بهتر حداقل کمی سرو شکلش را بهتر کند.

در فیلم های اینچنینی هیولای فیلم شما یا یک جانور خونخوار بدطینت با قیافه ای است که زهره تماشاگر را آب می کند یا اینکه هیولایی است که اگرچه می تواند بزرگ هم نباشد اما هوش سرشارش است که مهمترین اسلحه او به حساب می آید و همیشه چند قدم از آدم های فیلم جلو است و میزند پدر صاحب بچه را درمیآورد تا اینکه در بزنگاهی خاص مچش گرفته میشود و توسط هوش و نیروی انسانی ناکار میگردد. البته اشتباه نکنید این هیولای با هوش هم، چنگ و دندان دارد. این دو نوع هیولای استاندارد در ساخت فیلم های اینچنینی است. عمده وقتها هیولاهای دریایی مثل هیولای دکل حفاری می توانند تماشاگران بیشتری جذب کنند چرا که یک هیولای دریایی بدلیل سابقه اساطیری برای آدم ها وحشتناک تر و همچنین مسبوق به سابقه است. همیشه جدال انسان و موجودات دریایی در داستان های اساطیری و هم چنین داستان های کلاسیک جایگاه خاصی داشته اند. هنوز که هنوز است وجود هشت پاهایی که اندازه یک برج باشند در مخیله خیلی از آدم ها منزل دارد.

شروع نمایش و حضور هیولا در دکل حفاری بی تردید آغاز آن است. تمام سکانس های افتتاحیه و پرواز هلیکوپترها بر فراز اقیانوس و معرفی بازیگران و قهرمانان که چیزی حدود 15 دقیقه طول می کشد اضافی است. از وقتی مسئول رادیوی دکل حفاری و اوپراتور مونیتورینگ وجود یک شی جاندار را در عرشه تشخیص می دهند داستان شروع شده است. اولین تصویری که ما از این هیولا می بینیم واقعا غافلگیرکننده است. یک موجود یک متری با کله بزرگ که مثل داینوسورهای ناقص الخلقه است. خب چطور می شود از این هیولا ترسید وقتی انتظار داریم با یک چوب بیس بال هم حریفش شویم؟ صحنه های ناکار شدن اعضای گروه اما می خواهد نشان دهد این هیولا کمی تا قسمتی هوش سرشار هم دارد. چرا که حداقل دو نفر از اعضای دکل، به روش غافلگیری طعمه این هیولای کوچک شده اند بدون اینکه بتوانند صورتش را نظاره کنند.

مقابله با هیولای ناشناس یکی از راه های جذاب شدن داستان و اصلا از قواعد این ژانر است. فرار به تنهایی معنا پیدا نمی کند. در دکل حفاری فرار اما حرف و استراتژی اصلی است. هیولای داستان اتاق به اتاق می گردد و خلق الله را شکار می کند ضمن اینکه سازندگان فیلم قصد دارند یک هیولای خاص بنابر خلق و خو را رونمایی کنند. هیولایی که به طعمه اش به عنوان غذایی صرف نگاه نمی کند بلکه یک ماشین کشتار است...

چنین فیلمی بیش از هرچیز برای بیان سینمایی خود محتاج قدرت بازیگری کاراکترها و همچنین استفاده از اسپیشیال افکت است. که دست برقضا در هر دوی این فاکتورهای اساسی، دکل حفاری یک کارنامه ی پراز ناامیدی برجای می گذارد. بازیگران فیلم همگی تلویزیونی و باسمة ای هستند و جالب این جا است که سوپر استار فیلم نیز ویلیام فورسایت است که در فیلم های هالیوودی بازیگر درجه دومی است (از کارهای قدیمی او شهر کنار دریا و از کارهای جدیدش بازی در سریال منتالیست قابل یادآوری است).

به این مهم استفاده از نرم افزارهای عهد بوقی دیجیتال را نیز اضافه کنید که سهم تدوین را در ساخت یک تریلر تخیلی به صفر رسانیده است. بودجه دکل حفاری سه میلیون دلار بوده است و کارگردانش پیتر آتسنیو است. بودجه ناچیز و کارگردانی که اولین کارش همین فیلم بوده و عواملی که در بالا ذکر کردم باعث شده فیلم دکل حفاری علیرغم ظرفیت های بالای این ژانر به یک فیلم کودکانه مبدل شود.